



## طناز کلمه باز!

دهخدا شاعری را با سرودن اشعار عامیانه آغاز کرد؛ مثل شعر «وصف الحال لوطیانه»:  
...مشتی اسمال! به اون جفت سبيلات قسمه /  
لوطی حق و حرف حساب دون به خدا خیلی کمه  
هر کسی رو که تو بحرش بروی اهل نمه /  
مار به این ها بزنه والله بر مار، ستمه!

بعد از پایان تحصیلات با سمت عجیب و غریب: «معاونت امور راجعه به شوسه خراسان»، مترجم یک مهندس بلژیکی در پروژه راه‌سازی شد و به آب باریکه‌ای در حدود ماهی ۳۰ تومان رسید. او با مال‌اندوزی از راه خوردن حق مردم به شدت مخالف بود و این مخالفت را در قطعه «بهترین کار خواجه» این‌طور به نظم درمی‌آورد:

...خواجه، هم‌چون دگر لثیمان مرد/ نسزد  
بیش یاد کردن او  
بهترین کار خواجه در همه عمر/ هیچ دانی  
چه بود؟ مردن او!

مدتی بعد به عنوان نویسنده و سردبیر روزنامه «صوراسرافیل» مشغول کار شد که به گفته دوست و دشمن، گل سر سبد آن ستون «چرند و پرند» دهخدا بود. این هم نمونه‌ای از چرند و پرندهای دهخدا: «...و هم در این سال عهدنامه روس و انگلیس در صورت برای حفظ استقلال مملکت ایران و در معنی برای تقسیم آن بسته شد و در پارلمان دولت علیه نیز مذاکرات طولانی برای مالیات چرخ بستنی فروشی به عمل آمد!» و در ستونی با عنوان «مجمع‌الامثال» با ضرب‌المثل‌های فارسی شوخی می‌کند و می‌نویسد:

- مار گزیده هم از مشروطه می‌ترسد هم از استبداد!
- اگر را با مگر تزویج کردند، از ایشان بچه‌ای شد اسمش را گذاشتند «افتتاح ملی»!
- آن‌چه در آینه جوان بیند، پیر باید دم آفتاب برود عینک بگذارد، تازه زورکی یک کمی ببیند!
- دیگران کاشتند ما خوردیم، ما نمی‌کاریم تا دیگران نخورند!
- پس از تعطیلی نشریه و کشته شدن میرزا جهانگیر خان شیرازی (مدیر نشریه صورت اسرافیل)، به فرمان محمد علی‌شاه دهخدا

علی اکبر دهخدا در سال ۱۲۵۷ شمسی در تهران به دنیا آمد. پدرش را در نه سالگی از دست داد، ولی صبر و قرار از کف نداد و در کمال جدیت و پشتکار ۱۰ سال تمام در مکتب‌خانه (که در آن زمان‌ها حکم مدارس غیر انتفاعی حال حاضر را داشت!) نزد شیخ غلامحسین بروجردی، از صرف و نحو گرفته تا اصول فقه و کلام و حکمت آموخت. (قابل توجه دانش‌آموزانی که معتقدند تا کلاس اول دبیرستان همان خواندن و نوشتن «بابا آب داد» زیاد هم هست!) البته استاد مکتب‌خانه که دید دهخدا وضع مالی خوبی ندارد، از گرفتن شهریه منصرف شد.

دهخدا پس از تمام کردن دوره مکتب‌خانه به توصیه سلمانی محل که همیشه موقع اصلاح سرش می‌گفت: «علی اکبر، سرت خیلی بوی قورمه‌سبزی می‌دهه!» وارد مدرسه سیاسی شد. هم‌زمان نیز شروع به یادگیری زبان فرانسه کرد تا نشان دهد، جمع بین سنت و مدرنیسم، مثل خوردن پیتزا با پیاز، کار بسیار ساده‌ای است! ■

۱. دهخدا، علی اکبر، مقالات دهخدا، به کوشش دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی، نشر تیرازه  
۲. دهخدا، علی اکبر، دخوی نابغه، به کوشش آقای الله درویشیان، نشر گل‌آقا.

علی زاهدوز

جناب رییس، پاسخ داد: «... و بهتر است که در صدای آمریکا به زبان انگلیسی برای مردم ممالک متحده شرح داده شود که در آسیا مملکتی به اسم ایران هست که خانه‌های قراء و قصبات آن‌جا، در، و صندوق‌های آن‌ها قفل ندارد، و در آن خانه‌ها و صندوق‌ها طلا و جواهرات هم هست، و هر صبح مردم قریه، از زن و مرد به صحرا می‌روند و مشغول زراعت می‌شوند، و هیچ وقت نشده است وقتی که به خانه برگردند، چیزی از اموال آنان به سرقت رفته باشد... این‌هاست که از این گوشه آسیا شما می‌توانید به ملت خودتان اطلاعات بدهید، تا آن‌ها بدانند در این‌جا به‌طوری که انگلیسی‌ها ایران را معرفی کرده‌اند، یک مشت آدم‌خوار زندگی نمی‌کنند...»

این هم یک داستان مینی‌مال از زندگی علی‌اکبر دهخدا که قرار است از آن به عنوان حسن ختام مطلبمان سوء استفاده کنیم: کتاب‌فروش دوره‌گردی بود که دهخدا از او کتاب می‌خرید؛ آن هم به چند برابر قیمت واقعی! وقتی کتاب فروش فوت می‌کند، دهخدا برای زن و بچه‌اش از حقوق خودش مستمری تعیین می‌کند. کار به جایی می‌رسد که پسر این پیرمرد به خرج دهخدا به فرنگ می‌رود و تحصیل می‌کند. تا آخرین روز هم نامه‌های او را دهخدا برای مادر پیرش می‌خوانده است! روز فوت دهخدا، مادر این پسر می‌آید تا به عادت همیشه نامه‌های پسرش را بدهد استاد برایش بخواند که می‌بیند تخت و پستی و قلیان جمع شده است و استاد نیست!

گینس ثبت نشده تا برخی دانش آموزان روزی ۲ ساعت درس خواندن را مترادف با شکستن شاخ گول ندانند و از والدینشان توقع دریافت جایزه نوبل (البته بخش نقدی‌اش!) را نداشته باشند. بد نیست بدانید که لغت‌نامه دهخدا بدون احتساب ترکیباتی که ذیل بسیاری از لغات آمده‌اند، حاوی ۴۰۰ هزار عنوان است. لغت‌های مربوط به حرف «الف» در ۳۸۱۶ صفحه آمده‌اند که فقط گردآوری لغت‌های همین یک حرف، حدود ۱۲ سال طول کشیده است. در سال ۱۳۳۲، وقتی رییس اداره اطلاعات سفارت کبرای آمریکا در نامه‌ای از دهخدا اجازه خواست تا زندگی‌نامه او را از صدای آمریکا پخش کند، دهخدا در نامه‌ای به

به اروپا تبعید شد. بعد از فتح تهران به دست مشروطه خواهان و خلع محمدعلی شاه، دهخدا از تهران به عنوان نماینده مردم به مجلس رفت، ولی هنگام شروع جنگ جهانی اول، توسط نیروهای اشغالگر تحت پیگرد قرار گرفت. شاید نوشتن مقالات این چنینی در تصمیم نیروهای اشغالگر بی‌تأثیر نبود: «همسایگان ما با کشیدن راه‌آهن در ایران از آن جهت مخالفت می‌کنند که نه تنها حمایت از انسان و ملل ضعیف را بر عهده گرفته‌اند، بلکه انجمن حمایت از حیوانات هم دارند!... وقتی راه‌آهن کشیده شود... چهل صد هزار رأس الاغ، یابو، شتر و قاطر بی‌کار می‌شوند. این‌ها زبان ندارند که بردارند روزنامه چاپ کنند و بگویند: بی‌انصاف‌ها چرا کار ما را از دست ما می‌گیرید؟ چرا ما را خانه‌نشین می‌کنید؟ اما انصاف و مروت اروپایی‌ها که جایی نرفته... آن‌ها هم برداشتند تلگراف کردند که ... اگر شما راه‌آهن کشیدید و حیوانات بارکش را بی‌کار گذاشتید... ما هم... می‌آییم و شما را دانه دانه قورت می‌دهیم!»

دهخدا که دیگر نمی‌خواست تبعید یا زندانی شود، به ایل بختیاری پناه برد و پس از پایان جنگ به تهران آمد و رییس دانشگاه حقوق شد. سرانجام هم در اسفند ۱۳۳۴، در حالی که از شوخی‌های زمانه حیران بود، در تهران از دنیا رفت. ترجمه کتاب‌های «روح قوانین» و «عظمت و انحطاط رومیان»، تصحیح دیوان‌های ناصر خسرو، حافظ، منوچهری، فرخی سیستانی و سوزنی سمرقندی، و تنظیم «لغت‌نامه دهخدا» از آثار ادبی ماندگار اوست.

به گواهی شاهدان عینی، دهخدا برای تنظیم لغت‌نامه‌اش مدت ۴۰ سال هر روز ۱۲ تا ۱۵ ساعت کار کرد. هر چند که متأسفانه این رکورد بی‌نظیر هنوز در کتاب رکوردهای

